

باغ وحش بی‌مسئول و مراقب!

وقتی حیوانی وحشی از قفس بیرون می‌زند و جان بی‌گناهی را می‌گیرد، پس از خلاص کردن آن، سراغ مسئول و مراقب باغ وحش می‌روند که با بی‌لیاقتی و سهل‌انگاری خود موجب مرگ انسان‌هایی شده است. ارادل و اوباش و اشرار هم باید در بند و حصار قانون باشند تا شهروندان از شرارتشان ایمن گردند، اما اگر استبدادگرانی بخواهند سنگ را بسته و سگ را رها کنند، در این صورت صاحب سگ را باید به سؤال کشید! کما آنکه در کشورهای که قانون اعتبار دارد، رها کردن سگ جرم محسوب می‌شود و جریمه دارد.

این که در منشور حکومتی امام علی^(ع) به زمامدار گفته شده: "نسبت به مردم همچون حیوانی درنده می‌باش تا خوردنشان را غنیمت بشماری"، مسلماً شخص زمامدار را با اعوان و انصار و نیروهای سرکوبش مورد نظر داشته است.

در دیاری که آزادی وجود دارد و مردم صاحب اختیارند، عالی‌ترین مقامات دولتی زیر ذرهبین روزنامه‌ها و احزاب ملی مردمی قرار دارند و با کوچکترین رشوه و رسوائی یا خطا و خیانت زیردستان، مجبور به استعفا می‌شوند. در ارتش نیز چنین است، و با خطای افسران جزء، فرماندهان کل نیز بازخواست و بعضاً خلع درجه یا تنزل رتبه داده می‌شوند!

بانویی بی‌گناه که از زندان برای آخرین دیدار با پدر به اغماء رفته خود به مرخصی می‌رود، در روز تشییع جنازه پدر، که با هزار تهدید و تحدید در روستائی اطراف تهران انجام شد، به دلیل مقاومت در برابر جنازه دزدی. مأموران لباس شخصی و سپاهی و بسیجی!، در اثر خون‌ریزی داخلی ناشی از ضربات وحشیانه فرمانده آنان به قتل می‌رسد و جنازه‌اش نیز مدتی مصادره می‌گردد! اما در نظام ولائی!! چنین جنایاتی نسبت به دختر شخصیتی که عضو شورای انقلاب، رئیس سازمان برنامه و بودجه، نماینده مجلس این کشور بوده و ۶۰ سال کارنامه خدمت به این کشور داشته است، نادیده گرفته شده و چه بسا مورد تشویق قرار می‌گیرد!؟

اگر این حادثه اتفاقی استثنائی و حساب نشده بود، جای اغماض داشت، اما چنین شیوه‌هایی رسم روزگار و عادت اشرار مسلح و مسلط بر مملکت و جان و مال مردم شده است! مگر با تشییع‌کنندگان جنازه پدر مهندس موسوی که سه دهه ستایشگر خدمات نخست وزیریش در دوران جنگ و جبهه بودند، غیر از این کردند؟ جنازه‌های سبز را دزدیدن و شهید رُبائی، سیره سال‌های اخیر اشرار شده است!

مگر در مورد رفسنجانی، که رهبری ولایتش را وامدار اوست، و با دخترش کم‌فحاشی و فضیحت کرده‌اند؟ مگر مداحان اهل بیت که باید دهانشان از درستی و زشت‌گویی پاک باشد، و برخی فرماندهان نظامی، کم‌دشنام به احمدی‌نژاد و یارانش، که هزارتقلب و تیبانی درانتخابش کردند داده‌اند که به افاضل و افتخارات ملت ندهند!؟ وقتی آب از سرچشمه گل آلود باشد، در انتها به لجن می‌کشد! وقتی همه حواس و هم و غم "میرآب" به سروری و سیادت و "سهم آبه" خود و غافل از غلط کاریهای مأموران باشد، پاک کردن لجن‌ها مثل پرداختن به نقش ایوان خانه‌ای است که از پایبند ویران است.

از آنجائی که برخی هنوز براین باورند که گویا رهبری از بدو تولدشان هم ذکر یا علی گفته‌اند، بی‌مناسبت نیست اشاراتی به احساس مسئولیت آن پیشوای عدالت به آنچه در سرزمین تحت امرش می‌گذشت بکنیم تا بیشتر روشن شود که دوصد گفته چون نیم کردار نیست.

امام علی^(ع) در اعتراض به بدخوئی و درشت‌گویی استاندارش در بصره، که خویشاوند هم بوده است، در ارتباط با مخالفین می‌نویسد: "ما هر دو در خیر و شری که انجام می‌دهی شریک هستیم" (فانا شریکان فی ذلک - نامه ۱۸ نهج البلاغه). در آغاز خلافتش نیز خطاب به همه یارانش می‌گوید: "در حقوق مردم و شهرها از خدا بپرهیزید، زیرا شما مسئول هستید حتی در برابر زمین‌ها و ستوران!" (اتقوا الله فی عباد و بلاده فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم- خطبه ۱۶۷/۱۶۶).

آیا آن مقام معظم! در نظام ولائی (درعمل جنائی) از جنایاتی که ارادل و اوباش درحراست ازولایت مطلقه‌شان می‌کنند، احساس مسئولیت و شراکت در جنایت نمی‌فرمایند?... امام علی^(ع) در همان عهدنامه به استاندار خود در مصر می‌گوید: "بدان که در مشت زدن، چه رسد سخت‌تر از آن (مثل باتوم‌های امروزی) امکان کشته شدن وجود دارد، مبدا نخوت سلطنتت تو را از پرداخت خون‌بها به اولیاء مقتول بازدارد"... آیا جناب ایشان حاضرند از قله غرور پائین آمده و عذرخواهی زبانی ساده‌ای به خاطرقتلی که قصاص هم دارد، از مادر و همسر هاله‌سحابی بکنند؟ مادران و پدران مقتولین جنایات کهریزک پیشکش!

این سخن از زبان هر واعظی بارها نقل شده است که علی(ع) از این که در قلمرو حکومتش خلخال از پای زنی یهودی که در ذمه حکومت اسلامی بوده به زور ربوده شده است، فرمود: "اگر مسلمانی از شنیدن این خبر بمیرد، نه تنها بر او ملامتی نیست، که سزاوار است بمیرد" آیا مقام معظم رهبری! از کشتن یک دختر مظلوم در مراسم خاکسپاری پدرش به گناه آنکه عکس او را در آغوش گرفته است خم به ابرو می‌آورند؟

در قرآن آمده است که روز قیامت از مظلوم کشته شدگان خواهند پرسید که به چه جرمی کشته شده‌ای (بای ذنب قتل)، اگر شهید هاله پاسخ داد از آنکه ادعای ولایت مطلقه بر ما می‌کرد بپرسید، شما چه پاسخی دارید؟

اگر امروز سر خود را زیر برف باورهای من درآوردی خلاف کتاب خدا و قانون مردمان می‌کنید، فردا زانو زده در پیشگاه خدا ناچار به پاسخ خواهید شد. هم مهندس سبحانی در سلول‌ها و خانه‌های امن اطلاعات و عملکرد نظام شما دق مرگ شد و هم هاله سبحانی روز روشن در برابر صدها چشمی که فردا شهادت خواهند داد شهید گردید. البته همه آنها که در آن جنایت شرکت داشتند شریک جرم هستند، اما سهم حضرت ولایت عظمی که این اشرار را به جان مردم افکنده سنگین‌تر خواهد بود. این حکم قرآن است، اگر نمی‌ترسید بخوانید:

"آنها که آن کار واژگونه را مرتکب شدند، (نه بیگانگان، که) گروه متشکلی در میان شما هستند. این (حادثه) را به ضرر خود نپندارید، بلکه نتیجه‌اش (با افشای ماهیت آنها) به نفع شما خواهد بود. هر یک از آنان به تناسب نقشی که داشته کیفر می‌شوند، اما آنکه نقش اصلی را ولایت کرده، عذابی عظیم خواهد داشت" (سوره نور آیه ۱۱)

عبدالعلی بازرگان
پنجشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۰
برابر با ۲ ژوئن ۲۰۱۱